



علی رستگار  
گروه فرهنگ و هنر

**گفت‌وگو با هوشنگ گلمکانی یکی از سخت‌ترین مصاحبه‌های من بود و درباره انجام آن تردید داشتم. فارغ از هیمنه هوشنگی با آن هیکل تنومند، سر تراشیده، حجم سبیل و تَن صدای پرتین و مهم‌تر از همه عقبه سال‌ها فعالیت در عرصه نقد فیلم و ژورنالیسم سینمایی و حضور مسلط به عنوان مصاحبه‌کننده که حتی از کهنه‌کارهای این حرفه هم حریف و هم‌ارز می‌طلبید، شاگردی غیرمستقیم این چهره هم کار را برابرم سخت‌تر می‌کرد. چرا که سال‌ها خواننده مطالب او به عنوان سردبیر ماهنامه «فیلم» و دیگر منتقدان و نویسندگان بزرگ این نشریه سینمایی بودم و در این دو سال اخیر هم باوجود همکاری در ماهنامه «فیلم امروز» کماکان این تعلم سینمایی از جانب من ادامه دارد. اما حالا باید درباره نخستین ساخته سینمایی استاد یعنی «آهو» صحبت می‌کردم و دشوارتر این‌که کم و بیش تعارف و ملاحظه را هم کنار می‌گذاشتم. هوشنگ گلمکانی اما این سختی را برابرم آسان کرد و کاملاً مهربان و حرفه‌ای به سوالات جواب داد. اصلاً همین آهو با همه گام‌های لغزانی که برمی‌دارد- و با همین وضعیت هم عاشقانه‌ای دیدنی است و تماشای آن را در سینما به شما پیشنهاد می‌دهم- فیلمی است که روحیه واقعی گلمکانی و لطافت، مهر و عاشقی جاری در وجود او را نشان می‌دهد.**

**آی می‌دانیم که لزوماً منتقد نباید فیلم بسازد و اساساً سازوکار نقد فیلم و ساخت فیلم جداس‌ت؛ منتها از آنجا که هر دوسرفصل مشترکی به نام فیلم دارند و در فضای سینما نفس می‌کشند، شاید آن توقع فیلمسازی و از قضا فیلم خوب ساختن و دست‌کم رعایت حداقل‌ها و استانداردهای اولیه در این زمینه خیلی بیراه هم نباشد. چه بسا برخی نمونه‌های موفق از جمله کارگردانی منتقدان «کایه دو سینما» و بعضی نمونه‌های خوب وطنی این انتظارات را تقویت هم می‌کنند. چنین عقبه**

انیمیشن‌سازی ایران در حوزه تولیدات بلند سینمایی مسیر پربپیچ و خمی راگذرانده و امروز به نقطه شروع بلوغ خودرسیده است، اتفاقی که می‌تواند فرهنگ و البته سینمای ایران را به جهان معرفی کند. اما صنعت انیمیشن در ایران که تا سالیان سال مغفول مانده بوده در سال‌های اخیر به رشد خود رسیده است. انیمیشن بلند سینمایی «لوپتو» به کارگردانی عباس عسکری

### انیمیشن سینمایی «لوپتو» در ایتالیا

**تاریخی، باری‌ربه شماتحمیل نکرد که حتماًبایدفیلم خوب بسازید؟**  
قطعاً قصد ساختن فیلم بد نداشتم و می‌خواستم فیلم خوب بسازم. آن تاریخچه هم طبعاً موضوع را حساس‌تر کرده اما حاصل کار تقریباً ۸۰درصد همان چیزی است که می‌خواستم و از خودم توقع داشتم. حالا اگر توقع برخی بیشتر بوده، شرمندهام و تقصیری ندارم. ادعای شاهکار ساختن ندارم. آهویک فیلم شخصی ودلی است که عده قابل توجهی (ازمیان همین تماشاگران اندکش) آن را دوست دارند وعده‌ای هم آن‌را نمی‌پسندند. چاره‌ای نیست. فیلم‌های دهم و بیستم‌وسی‌ام فیلمسازان بزرگ ومعتر هم باکلی انتقادهای تندوتیزرویه‌رومی‌شود؛ این که یک فیلم اول کوتاه جمع‌وجوراست. من مسئول توقع وپسند همه نیستم. فیلمی ساختم که دوست داشتم، در حدی که ب‌لدم و امکانش راداشتم.

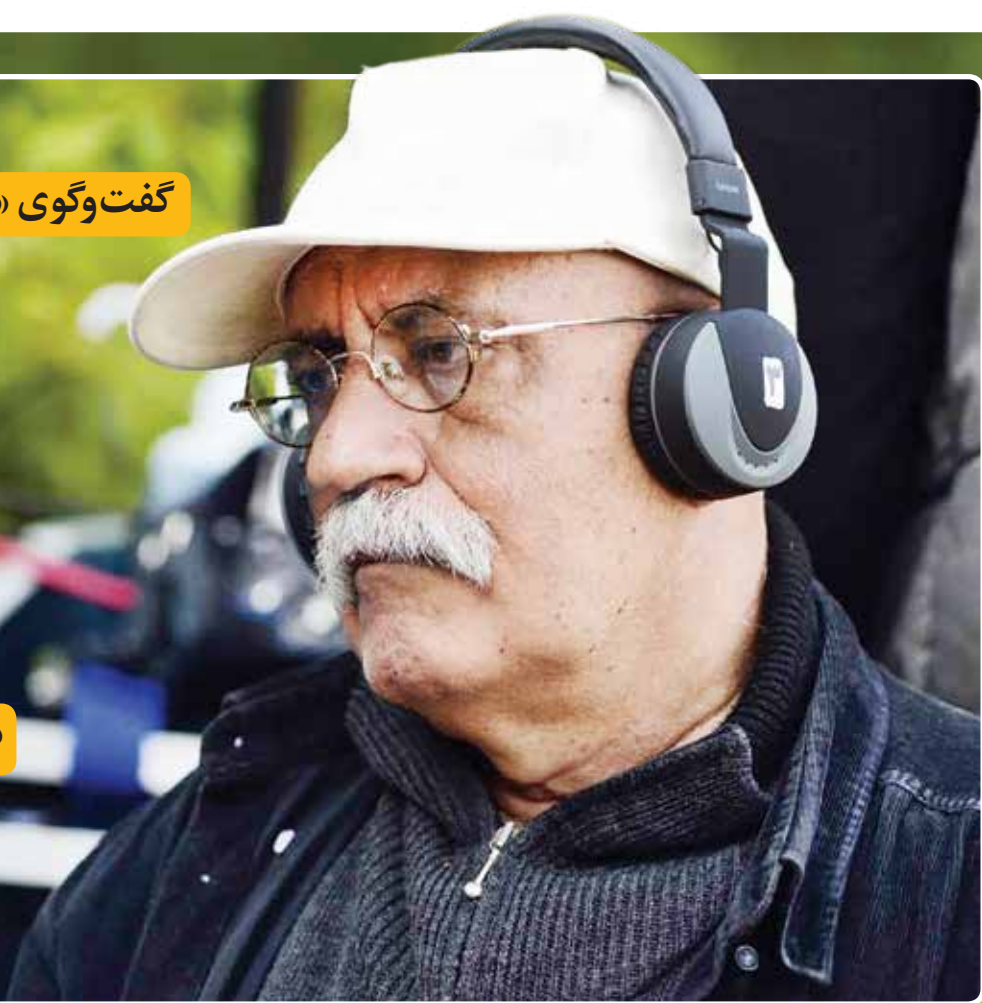
**آی ساخت مستند «گنگ خواب‌دیده» و فیلم سینمایی آهو به هر حال نشانه علاقه شما به فیلمسازی است. ضمن این‌که فارغ‌التحصیلی شما در رشته سینما و تلویزیون از دانشکده هنرهای دراماتیک هم می‌تواند نشانه دیگری برای این علاقه تلقی شود. سوالم درباره این فاصله ۲۵ ساله است؛ مشغله انتشار مجله و کار در حوزه نقد باعث آن شد. سوزۀ مناسبی پیدا نکردید یا آن پشتوانه درخشان نقد و نام و اعتبارتان در این حوزه شما را کمال‌گرا کرد و برای ساخت دومین فیلم جدی واولین فیلم سینمایی به‌تزدید انداخت؟**  
بااین که دانش آموخته سینما هستم ولی تلاشی برای فیلم ساختن نکردم، چون به کارم (نقدنویسی و ژورنالیسم سینمایی) علاقه دارم و همیشه نگران بودم و می‌دانم که مناسبات فیلمسازی حرفه‌ای معمولاً ایده‌های آدم را می‌ساید و می‌فرساید و حاصل کار شبیه ایده اولیه نمی‌شود. چند بار گفته‌ام که قصد فیلمساز شدن ندارم و خواستم در این اواخر عمر به یکی از سوسه‌های قدیمی سینمایی‌ام جواب بدهم. منتقد فیلم هم لزوماً فیلمساز خوب نیست؛ همچنان که از یک مفسر خوب فوتبال نباید انتظار داشت فوتبالیست یا مربی خوبی باشد. با این حال من از ساختن او راضی و خوشحالم، اما برای اطمینان خاطر شما و سایر کسانی که من و فیلمم خوش‌شان نمی‌آید می‌خواهم بگویم که قصد ادامه فیلمسازی ندارم، مگر این که زمانی انگیزه‌ای پیدا شود که عیش این‌دوستان را منقص کنم!

**آی به‌نظر می‌رسد تقریباً همه دوستان منتقد چه هم‌نسلان ویزرگان نسل‌های قبل و هم‌کاران جدید این حوزه، ملاحظه نام و اعتبار و بزرگی‌تان را در عرصه نقد کرده‌اند و خرده جدی به آهو نگرفته‌اند؛ البته به جز احمد طالبی‌نژاد که در گفت‌وگوی رو در رو با شما در ماهنامه فیلم امروز کمی بیش از دیگران ملاحظه را کنار گذاشته است. حتی آن دوستان جوانی هم که در اکران آهو در چارسو حضور داشتند باز از علاقه‌مندان و خوانندگان مجله و مطالب شما و انگار بیشتر تحت تأثیر دیدار شما بودند و همه چیز به تعریف و تمجید گذشت. اما اگر بدون تعارف و با همان خط‌کش نقد خودتان بخواهید با فیلم**

و تهیه‌کنندگی محمدحسین صادقی، در بخش رقابتی سیزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی کودک و نوجوان «ویتوریو و نتو» در ایتالیا به نمایش در می‌آید.

این انیمیشن سینمایی محصول مرکز انیمیشن سوره است که پس از اکران موفق در سینماها، از روز دوشنبه ۲۲ آبان ماه اکران آنلاین خود را در پلتفرم شاد آغاز کرده است. جشنواره ویتوریو و نتو از ۲۲ آبان ماه تا ۲۰ آذرماه سال جاری در شهر ایتالیا در حال

برگزاری است. هدف این جشنواره این است که هم انتظارات جمعیت جوان و هم تماشاگران بزرگسال را برآورده کند تا عموم مردم را در برابر سینمای باکیفیت قرار دهد. این جشنواره با برگزاری کارگاه‌های آموزشی مختلف جوانان و نوجوانان را با جدیدترین تکنیک‌های روز دنیا آشنا می‌کند. بخش بین‌الملل این انیمیشن سینمایی به‌عهده مرکز بین‌الملل سوره است.



**گفت‌وگوی «جام جم» با هوشنگ گلمکانی،**

# قصد فیلم ساختن ندارم

**در این اواخر عمر به یک وسوسه**

پروانه داشت دیالوگی هم می‌گفت.

دیالوگی نمی‌گفت. این و یکی دو جای دیگر از آن مواردی است ساختار تدوین اولیه به اقتضای کمبود مصالح تصویری به هم ر عرضه کردم که فیلم حتماً چیزهایی کم دارد (همان ۲۰ درصدی که اعتراف کردم و از نظر شما و دیگران ممکن است درصدش بیشتر ی اما به این دلایل انصاف نیست که فیلم به‌کل نادیده گرفته شو این که دلایل دیگری در کار باشد که بنده مسئول آن نخواهم بود طبق ادعای پروانه و فیلم، قرار است این تهیایی و فراق، س باشد، مثلاً در تولید محتوا و کتاب‌های صوتی و خلق آثار چو پروانه تقریباً در طول فیلم از این جدایی می‌نال‌د و از اجتماع است و به شیوه سرد خود آه و ناله می‌کند. با این آه و آف سارنده بودن تهیایی و استقلال شخصیت مورد تهدید قرار نمی‌زیر سوال نمی‌رود؟

بشرا مروز، به‌خصوص روشنفکران، با این‌که به‌تهیایی‌گریش دارند از تهیایی هم می‌نالند. تهیایی انسان یک عارضه پیچیده معاصر بشر- گاه به‌ناگزیر- آن‌را انتخاب می‌کند و در عین حال از آن ناراضی بشر اصلاً موجود پیچیده‌ای است. پروانه هم پیچیدگی‌هایی دارد عاشق فرهاد است و مدام به یاد او و منتظرش است، هم گرایش

## نقیض

**نگاهی در جامعه سینمایی وجود دارد که سعی فیلمسازی منتقدان را با چالش و اما و اگرهای مواجه کند و با جملاتی نظیر «پشت هر من فیلمسازی ورشکسته وجود دارد» بر این پافشاری کند. البته فعالیت در حوزه نقد و فیل باوجود سرفصل مشترک سینما، دو حرفه و جداگانه و مستقل است و توقعاتی درباره هر کدام از آن حیطه دیگر را برای آن گروه دیگر نمی‌کند، کما این‌که فعالیت در هر دو حوزه هم باهم ندارد. شاید تجربه ناموفق دکتر هوشنگ در کارگردانی فیلم «هشده روز به اعدام» که با ابد فیلمفارسی، بارها به سینمای بدنه و تجاری سا دور تاخت، در تشدید بدبینی جامعه س**

**آهو خلوت کنید، ایرادات آن را چه می‌دانید؟**

من از طرف همه آن دوستان منتقدی که خرده جدی بر آهو نگرفتند از شما و مخالفان فیلم عذرخواهی می‌کنم. به هر حال حساب رفاقت و نان و نمک و پارتی‌بازی‌های رایج است. نه که همه چیز به‌قاعده است و فقط خرده گرفتن جدی بر آهو کم بوده، لذا باید فکری اساسی کرد و کيفرخواست لازم علیه کسانی هم که در چارسو از آهو تعریف و تمجید کردند صادر شود. ضمناً در چنین فضایی من چاراباید در خلوتم با آهو از ایرادهايش به شما بگويم؟ شما که ایرادهايش را بیشتر و بهتر از من می‌دانید.

**آی شاید اگر آهو در نوبت دیگری اکران می‌شد تفاوتش با آثار مرسوم و گیشه‌پسند روی پرده به چشم می‌آمد و بیشتر قدر می‌دید اما حالا در مقام قیاس زیر سایه فیلم خوش ساخت و جذاب‌بی به اسم «جنگل برتقال» است که برخلاف فیلم شما هم بازیگر چهره دارد و هم غلظت احساسات و عاشقی آن به سردی آهو می‌چربد. نظراتن چیست؟**

در همه جای دنیا شرایط جانبی می‌تواند بر حاصل کار یک فیلم در زمان تأثیر بگذارد. من فیلم جنگل برتقال را بسیار دوست دارم و آن را نیست به آهو فیلم خیلی بهتری می‌دانم. اما حتی اگر نمایش آنها همزمان هم نبود، باز هم با هم مقایسه‌شان کرد و رأی به برتری جنگل برتقال داد. بااین همه آهو هم تماشاگران اندک خودش را دارد که به‌مرور تعدادشان بیشتر خواهد شد و در همین مدت کوتاه، جدا از کسانی که فیلم را

دوست ندارند، با تازاب‌های بسیار دل‌پذیری از کسان بیشتری گرفته‌ام که اصلاً آنها را نمی‌شناسم و این برایم خیلی دلگرم‌کننده است. همین برابرم راضی‌کننده است. ظرفیت چنین فیلمی هم در همین حد است.

**آی اگرچه در مصاحبه‌های‌تان اشاره کرده‌اید آهو از منطق رئال طبیعت نمی‌کند اما ظاهراً رئال آن و برخی مناسبت‌های واقعی در آن سنگینی می‌کند. به عبارت دیگر در همان جهان تجریدی مورد ادعا هم موارد نقضی وجود دارد یا چیدمانش طوری است که مخاطب را به اشتباه می‌اندازد. مثلاً انتخاب یک بازیگر (حامد کمیلی) برای دو کاراکتر (به ویژه که صدای نوید محمدزاده هم اصلاً روی فرهاد نمی‌نشیند) که ظاهراً باید به نفع فضای غیررئال فیلم کار کند اما چون اجرا و ظاهری رئال دارد، در واقعیت (حتی) قصه پذیرفتنی نیست و مانع برقراری ارتباط می‌شود. یا در بحث**



**آهو یک فیلم شخصی دلی است که عده قابل توجهی (از میان همین تماشاگران اندکش) آن را دوست دارند و عده‌ای هم آن را نمی‌پسندند**

احساسات، بازیگر پروانه با خواست و نظر شما به عنوان کارگردان از بروز احساسات منع شده تا کاراکتری عاشق اما سرد و بی تفاوت نسبت به ابراز عشق دیگران داشته باشد اما مثلاً سکانس پیش آهنگ عروس و یگن را مختصر برگزار نمی‌کنید و بخش زیادی از آهنگ را پیش می‌کنید و احساسات کامل پروانه را نشان می‌دهید یا کاراکتر بنفشه چند لحظه حس‌ی دارد و اشک می‌ریزد و .... به نظر می‌رسد تاکید بر علاقه به ایجاد ایهام در فیلم، از کم و کاستی‌های فیلمنامه‌ای و شخصیت‌پردازی رئال می‌آید. اگر همچنان نظراتان روی سردی و دوری از درام مرسوم عاشقانه و فاصله گرفتن از مناسبات واقعیت بیرونی است، پس چرا به قدر کفایت به سمت فضای متضاد با واقعیت رایج حرکت نکرده‌اید. چه در فیلمنامه و چه در اجرا و تمهیدات بصری و صوتی که بر ایهام و منطق غیررئالیستی شما دامن یزند؟ مثلاً نمونه‌هایی چون فضای سوپرکتیو در تیتراژ اول در جنگل با آن شیوه فیلمبرداری، ظهور تدریجی پروانه و آن وانت سفید در پیچ جاده و حضور کاراکترها میمان پارچه‌های (ملحفه‌های) سفید، پیرو نگاه و خواست شما باید ادامه پیدا می‌کرد اما تعدادشان در برابر ظاهر رئالیستی بسیار اندک است.

ظاهر قضا یا رئالیستی است اما منطق رویدادها را رئالیستی نیست. می‌خواستم چیزی بین واقعیت و مجاز باشد، مثلاً این همه شباهت سعید و فرهاد (بدون نسبت خانوادگی و خونی) در جهان واقعی ناممکن است اما انتخاب یک بازیگر برای این دو نقش و قرار دادن نشانه‌هایی برای ایجاد وحدت نهایی آنها در جهت یکی از مفاهیم فیلم است. یا تنها زندگی کردن دختری جوان در چنان مکانی با مناسبات اجتماعی امروز ما چیزی در حد محال است. سیگار روشن پروانه که به آخر رسیده اما دستش را نمی‌سوزاند جزو همان چیزهای غیرواقعی است، یاسگی که راهم‌ای فرهاد به سوی خانه محبوب می‌شود. خب، البته با همین هدف هم ممکن است ناهماهنگی‌ها و تناقض‌هایی در ساختار فیلم وجود داشته باشد که منکرش نیستم. این یک فیلم اول است و مطمئن باشید که اگر مثلاً فیلم چهارم یا هشتم من بود خیلی از این اتفاق‌ها نمی‌افتاد.

**آی در نسخه اکران چارسا کانس کیانی و پروانه - آنجا که کیانی برای بازگرداندن عینک (که متعلق به پروانه هم نیست) به در خانه دختر می‌آید- تصویر ناگهان و بدون منطق کات می‌شود. درحالی‌که انگار**

#### اکران



**۱۹ انیمیشن جدید در راه سینما**  
مدیر گروه سینمای هنر و تجربه با اشاره به این‌که تا پایان سال سه بسته مجموعه انیمیشن کوتاه برای اکران در سینماها آماده می‌شود، گفت: گروه سینمایی هنر و تجربه تلاش می‌کند هویت انیمیشن کوتاه به‌عنوان یک هویت مستقل پذیرفته شود.

از ابتدای آبان ماه انیمیشن‌های کوتاه هنری «رویا‌های رنگی» در سینماها به نمایش درآمدند که در این زمینه محمد طیب گفت: بحث نمایش انیمیشن‌های کوتاه در گروه سینمای هنر و تجربه درخواستی بود که از یکی دو سال پیش به‌عنوان مدیر بازرگانی مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی در کنار دهستانی، معاون وقت انیمیشن مرکز پیگیری می‌کردم. این درخواست در پی این موضوع بود که در سال‌های اخیر، مرکز، آثار ویژه‌ای تولید کرده بود و جامعه انیمیشن مرتب درخواست داشتند تا فضایی برای نمایش این اثرهای کوتاه هنری ایجاد شود.

او ادامه داد: این فرصت مهیا نشده بود تا این‌که در دوره جدید گروه سینمایی هنر و تجربه، مدیریت این گروه را برعهده گرفتم و از همان ابتدای فعالیت‌م اکران شدن آثار کوتاه و انیمیشن را در دستور کار قرار دادیم که پس از دریافت مجوزهای لازم، اولین بسته پویانمایی کوتاه رویاهای رنگی اکران شد. صبا

#### قاب



#### چیدمان «خوزستان»

رضا حیدری، طراح نور تئاترو سینما که موفق به کسب جایزه مخترع برتر جشنواره بین‌المللی ILDC شد، اینستایشنی را با عنوان «خوزستان» از ۲۶ آبان تا ۳ آذر در پلتفرم اجرایی چیدمان صحنه آبی به نمایش عمومی درآورد. این هنرمند از عنصر نور برای خلق اثر هنری خود، بهره برده است. علاقه‌مندان برای دیدن این چیدمان می‌توانند هم‌روزه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به نشانی خیابان ولیعصر، بالاتر از چهارراه طالقانی، نبش کوچه ریاض، شماره ۱۵۹۵ مراجعه کنند.

#### سینمای جهان

### رونمایی «ناپلئون» در پاریس

نخستین نمایش جهانی فیلم حماسی «ناپلئون» به کارگردانی ری‌دلی اسکات در سالن بزرگ Salle Pleyel در پاریس و با حضور بازیگران اصلی و اکین فینیکس، ونسا کربی و طاهر رحیم و همچنین تام راتمن، مدیرعامل کمپانی سونی برگزار

شد اما نمایش این فیلم در سینمای فرانسه یک جنبه منفی نیز برای کمپانی ایل به‌عنوان سرمایه‌گذار اصلی دارد، زیرا این کمپانی این فیلم گران‌قیمت را تأمین مالی کرده و اکنون باید با قوانین سختگیرانه فرانسه ۱۷ ماه برای اکران آنلاین این فیلم در فرانسه صبر کند؛ فیلمی که به سبب محتوا می‌تواند برای مخاطبان فرانسوی بسیار جذاب باشد.

کمپانی ایل تصمیم گرفت فیلم «قاتلان ماه کامل» اثر مارتین اسکورسیزی را نیز در فرانسه اکران کند، جایی که ماه گذشته توسط پارامونت پس از نمایش در کن منتشر شد و سال ۲۰۲۵ در فرانسه و در سامانه نمایش آنلاین نیز در دسترس خواهد بود. ایسنا

